

## پیش بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک های فرزند پروری والدین

دکتر محمد علی بشارت

استاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): besharat@ut.ac.ir

سیده نعیمه هوشمند

کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه تهران

دکتر سید محمد رضا رضازاده

استادیار دانشگاه تهران

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

دانشیار دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: مهر ۹۴

تاریخ دریافت: شهریور ۹۴

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان صورت گرفت. از دویست و هفده (۱۲۳ زن، ۹۴ مرد) شرکت کننده متاهل خواسته شد پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ) و پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک های فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت معنادار و سبک فرزند پروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی معنادار دارد. بر اساس یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که سطوح رضایت زناشویی فرزندان احتمالاً تحت تاثیر سبک های فرزند پروری والدین آنها قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: فرزند پروری، پیوند والدینی، رضایت زناشویی

## مقدمه

رضایت و خرسندی از رابطه زناشویی<sup>۱</sup> یکی از جنبه های مهم تعاملات زوجین در سیستم زناشویی است (تنیکوچی، فریمن، تیلورس و مالکارن، ۲۰۰۶). از دیدگاه الیس (۱۹۸۰) رضایت زناشویی عبارت است از احساسات عینی خشنودی و رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر، هنگامی که همه جنبه های ازدواج شان را در نظر می گیرند. رضایت از رابطه معمولاً بعد از ازدواج و با گذشت زمان کاهش می یابد (دوس و همکاران، ۲۰۰۹؛ به نقل از هوک، وورتینگتون، هوک، میلر و دیویس، ۲۰۱۱). تحقیقات نشان می دهند که متغیرهای متعدد مانند احساس فهمیده شدن<sup>۲</sup>، تصدیق شدن<sup>۳</sup> و مراقبت<sup>۴</sup> به وسیله همسر (کولین و میلر، ۱۹۹۴؛ گاتمن، ۱۹۹۴؛ به نقل از پاتریک، نی، کانولو و لونسباری، ۲۰۰۷)، خودپیروی در روابط زناشویی (نی، لونسباری، کانولو و پاتریک، ۲۰۰۵)، خیانت (استیگلنیتز، گورون، کاپلن و وینکینگ، ۲۰۱۲)، شیوه های حل تعارض و توانایی ابراز احساسات (گاتمن، ۱۹۷۹؛ به نقل از بلایس، سبورین، بوچر و والراند، ۱۹۹۰)، هوش هیجانی (زیدنر و کدا، ۲۰۱۳) و کیفیت بازگویی خاطرات مربوط به رابطه زوجین در گذشته (آلیا و ویک، ۲۰۱۰) بر رضایت زناشویی تاثیر دارند. متغیرهایی هم نشأت گرفته از گذشته فرد هستند که بر رضایت زناشویی و صمیمیت زوجین تاثیر می گذارند از جمله: تاثیر روابط زناشویی والدین با همدیگر (آماتو و بوت، ۲۰۰۱؛ کوران، اوگلسکی، هازن و بوش، ۲۰۱۱)، ویژگی های شخصیتی (استرود، دوربین، سایگال و نابلاچ-فدرس، ۲۰۱۰؛ مالوف، تورستینسان، شات، بولار و روک، ۲۰۱۰) و طلاق والدین (کوئی و فینچام، ۲۰۱۰؛ به نقل از کوران و همکاران، ۲۰۱۱). یکی دیگر از متغیرهایی که زوجین از گذشته با خود به رابطه زناشویی می آورند، رابطه والد-کودک و سبک فرزند پروری<sup>۵</sup> والدین است که می تواند بر رضایت زناشویی فرزندان تاثیر گذار باشد. شواهد مختلف نشان می دهد که روابط افراد با والدین در دوران کودکی، کیفیت روابط صمیمی آنها در بزرگسالی را پیش-بینی می کند. برای مثال، تجربه یا مشاهده خشونت و سوءاستفاده در خانه با پذیرش و استفاده بیشتر از پرخاشگری در روابط صمیمی بعدی رابطه دارد (دارلینگ، کوهن، برنز و تامپسون، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش کیما، تالبوت و چیچتی (۲۰۰۹) نشان داد که تجربه سوءاستفاده در دوران کودکی با تعارضات بین شخصی در بزرگسالی رابطه دارد. تعامل های والدین با فرزندان را می توان در قالب نظریه های مربوط به فرزندپروری و سبک های آن تبیین کرد. سبک های فرزندپروری مجموعه ای از بازخوردهای والدین هستند که در ارتباط با فرزندان اعمال می شوند (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳). این سبک ها، الگوهایی از فرزندپروری هستند که بر اساس اعمال معیارهای والدین نسبت به رفتارهای کودکان شکل می گیرند (کوپلن، هستینگز، لاگاس-سگین و مولتن، ۲۰۰۲). دو بعد مستقل شامل پاسخگو بودن<sup>۶</sup> و مطالبه گری<sup>۷</sup> برای فرزندپروری شناسایی شده است (بامریند، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱؛ مک کوبی و مارتین، ۱۹۸۳). بعد اول، یعنی پاسخگو بودن، به میزان پرورش والدین، مهربانی و ابراز احساسات آنها و تقویت مثبت عقاید و نظریات کودک اطلاق می شود. بعد دوم، یعنی مطالبه گری، به اعمال نظم، مهارگری و سطح مطالبات و انتظارات والدین اشاره دارد. از ترکیب این دو بعد، چهار سبک فرزندپروری به وجود می آید: سبک فرزندپروری مقتدرانه<sup>۸</sup> (پاسخگویی زیاد، مطالبه گری زیاد)، آمرانه یا استبدادی<sup>۹</sup> (پاسخگویی کم، مطالبه گری زیاد)، سهل گیرانه<sup>۱۰</sup> (پاسخگویی زیاد، مطالبه گری کم) و مسامحه کارانه<sup>۱۱</sup> (پاسخگویی کم، مطالبه گری کم).

marital relationship.

- . being understood
- . validated
- . cared
- . parenting style
- . responsiveness
- . demandingness
- . authoritative
- . authoritarian
- . permissive
- . neglectful

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فرزند پروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری، حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دوسویه بین والد و کودک مشخص می‌شود (رینالدی و هاو، ۲۰۱۱). این والدین از کودکان شان با ابراز کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند؛ با روابط نزدیک و صمیمی مراقبت می‌کنند؛ تشریک مساعی دارند و انتظارات شان با توانایی‌های کودک تناسب دارد (جانسون، ۲۰۰۶). والدین مقتدر، از ایده‌ها، احساسات و نگرش‌های فرزندان آگاه هستند و نسبت به این ایده‌ها، نگرش‌ها و احساسات عکس‌العمل نشان می‌دهند (بارتل، ۲۰۰۵). والدین دارای سبک فرزند پروری آمرانه سعی می‌کنند رفتارها و نگرش‌های فرزندان را از طریق استانداردهای رفتاری که معمولاً دارای انگیزه اعتقادی اند، مطلق بوده و به وسیله یک قدرت والا تنظیم شده اند، شکل دهند و کنترل و ارزیابی کنند. این والدین معتقدند که فرزند باید مطابق با جایگاه خودش، خودپیروی محدود داشته باشد و مسئولیت‌های خانگی به او واگذار شود تا خود را برای کار در آینده مهیا سازد. این والدین به حفظ نظم و ساختار سنتی به عنوان نهایت ارزش توجه دارند. گفتگو را تشویق نمی‌کنند و اعتقاد دارند که فرزندان باید آنچه را که والدین می‌گویند به علت درست بودن بپذیرند (بامریند، ۱۹۶۶). والدین سهل‌گیر تلاش می‌کنند که نسبت به تکانه‌ها، تمایلات و فعالیت‌های فرزندان به شیوه‌ای غیرتنبیهی، پذیرا و مثبت برخورد کنند (بامریند، ۱۹۶۶). آنها در مقایسه با میزان پاسخ‌گویی خود، توقعات کمی از فرزندان شان دارند (ماندارا، ۲۰۰۳) و بیشتر پاسخ دهنده اند تا متوقع. آنها به فرزندان اجازه می‌دهند که تا جایی که امکان دارد خودشان فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و از به کارگیری کنترل اجتناب می‌کنند و فرزندان را به اطاعت از استانداردهای مشخص بیرونی تشویق نمی‌کنند. آنها تلاش می‌کنند که از استدلال و دستکاری برای کامل کردن اهدافشان استفاده کنند اما از قدرت کافی برخوردار نیستند (بامریند، ۱۹۶۶). والدین مسامحه کار در هر دو عامل مطالبه‌گری و پاسخ‌گویی پایین هستند. این والدین ساختار پایین و سطح پایینی از مراقبت نسبت به رفتارهای فرزندان از خود نشان می‌دهند و اغلب وظایف تربیتی خود را نسبت به فرزندان مورد غفلت قرار می‌دهند (ماندارا، ۲۰۰۳).

گرچه جنبه‌های متفاوت پاسخ‌گو بودن از قبیل گرمی و حساسیت نسبت به پریشانی‌ها تا حدودی با پیامدهای متفاوت در فرزندان همراه است (دیویدو و گروسک، ۲۰۰۶)، سطوح بالای پاسخ‌گویی یک معیار اساسی فرزند پروری با کیفیت بالا در همه فرهنگ‌ها محسوب می‌شود (بامریند، لازرلر و اوئنز، ۲۰۱۰). این بعد فرزند پروری، احساس امنیت را در فرزندان تقویت می‌کند و از این طریق، سلامت روانی، خودپیروی و رفتارهای مفید اجتماعی را افزایش می‌دهد (بامریند و همکاران، ۲۰۱۰). بامریند (۱۹۶۶) نشان داد که پاسخ‌گویی بالا اگرچه هنگامی که با مطالبه‌گری بالا در یک شیوه مقتدرانه همراه شود مفید است، اگر با مطالبه‌گری پایین در یک شیوه سهل‌گیرانه همراه شود مفید نخواهد بود. وی معتقد است که پاسخ‌گویی والدین سهل‌گیر با رفتارهای کودک و پیامدهای آن رفتارها رابطه منطقی ندارد و احتمالاً به جای این که توسط فرزندان به عنوان نوعی حمایت و مراقبت تجربه شود، غیر واقعی و بیش‌حمایت‌گرانه تلقی می‌شود (به نقل از بامریند و همکاران، ۲۰۱۰).

نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد خانوادگی والدین با صمیمیت و رضایت زناشویی آینده فرزندان رابطه دارد. نتایج پژوهش شولمن و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که رابطه مادر- دختر بر شایستگی روابط صمیمانه در دختران نوجوانشان تاثیر معنادار دارد. همچنین پژوهش جانسون و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که مردان متأهل از خانواده‌هایی با عملکرد خانوادگی ضعیف به طور مستقیم و غیرمستقیم به واسطه داشتن تعاملات منفی در بین زوجین، روابط زناشویی با موفقیت کمتری داشتند، درحالی که زنان متأهل از خانواده‌های با عملکرد خانوادگی ضعیف به دلیل مشکلات سلامت روانی و داشتن تعاملات منفی بین زوجین روابط زناشویی موفق کمتری داشتند. یافته‌های پژوهش شارف و مایسلز (۲۰۰۸) نشان داد که شاخص‌های مثبت رابطه با والدین با نشانه‌های مثبت روابط رمانتیک مرتبط بود. تحلیل داده‌های پژوهش اوربیک و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که ناسازگاری‌های اولیه در پیوند والد- کودک بر کیفیت رابطه همسران و ناسازگاری هیجانی در میانه عمر از طریق یک توالی رشدی خاص تاثیر می‌گذارد. سیفج- کرنک، اوربیک و ورمولست (۲۰۱۰) نشان

دادند که روابط اولیه مادر- فرزند به صورت مشخص با تعلق و جذابیت جنسی تجربه شده در روابط رمانتیک بزرگسالان جوان رابطه دارد و روابط فاصله دار و سرد پدر- فرزند در طول نوجوانی با عشق اضطرابی بعدی فرزندان رابطه دارد. با استناد به یافته های موجود، به منظور بررسی قدرت پیش بینی میزان رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک های فرزند پروری والدین، فرضیه های پژوهش حاضر به این شرح بررسی شد: فرضیه اول: سبک فرزند پروری مقتدرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت دارد؛ فرضیه دوم: سبک فرزند پروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی دارد؛ فرضیه سوم: سبک فرزند پروری سهل گیرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی دارد.

## روش

جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر زوجین شاغل در دانشگاه های شهر تهران بودند. پس از جلب رضایت دانشکده های تربیت مدرس، خوارزمی، پژوهشگاه شیمی ایران و دانشگاه تهران به منظور شرکت در پژوهش، انتخاب نمونه به صورت تصادفی از بین کارمندان متاهل این دانشکده ها صورت گرفت. از داوطلبان شرکت در پژوهش خواسته شد به پرسشنامه های پژوهش پاسخ دهند. معیارهای شرکت در پژوهش عبارت بودند از متاهل بودن، داشتن حداقل سواد دیپلم، نداشتن بیماری های جدی پزشکی و روانپزشکی مستلزم مصرف دارو، نداشتن سوءمصرف و وابستگی به مواد و تمایل فرد برای شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه ها. تعداد ۲۲۱ نفر در این پژوهش شرکت کردند که ۹۴ نفر از آنها مرد و ۱۲۳ نفر زن بودند. دامنه سنی از ۲۱ تا ۶۰ سال بود. میانگین سنی کل آزمودنی ها ۳۵/۵۶ سال و انحراف معیار ۷/۷۶ بود. طول مدت ازدواج آزمودنی ها بین ۵ تا ۲۰ سال بود. ابزار پژوهش عبارت بودند از:

**پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ):** پرسشنامه اقتدار والدین یک ابزار ۳۰ گویه ای است و شیوه های فرزند پروری را در اندازه های پنج درجه ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) بر حسب سه سبک اقتداری، آمرانه و سهل گیر می سنجد (بوری، ۱۹۹۱). بوری (۱۹۹۱) ضریب پایایی بازآزمایی<sup>۱</sup> این پرسشنامه را برای سبک اقتداری مادر (۰/۷۸)، برای سبک اقتداری پدر (۰/۹۲)، برای سبک آمرانه مادر (۰/۸۶)، برای سبک آمرانه پدر (۰/۸۵)، برای سبک سهل گیر مادر (۰/۸۱) و برای سبک سهل گیر پدر (۰/۷۷) گزارش کرده است. در بررسی مقدماتی ویژگیهای روانسنجی فرم فارسی این پرسشنامه در نمونه ای از جمعیت عمومی ( $n=778$ ;  $\bar{x}=397$  زن،  $\bar{x}=381$  مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس های اقتداری، آمرانه و سهل گیر در مورد مادران به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۷۷ و در مورد پدران به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد همسانی درونی<sup>۲</sup> پرسشنامه اقتدار والدین را تایید می کنند. ضرایب همبستگی بین نمره های تعدادی از شرکت کنندگان در پژوهش (۶۲ زن، ۵۷ مرد) در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای زیرمقیاس های پرسشنامه از  $r=0.67$  تا  $r=0.75$  محاسبه شد. این ضرایب که در سطح  $P < 0.001$  معنادار بودند، پایایی بازآزمایی پرسشنامه اقتدار والدینی را تایید می کنند (بشارت، ۱۳۹۰). روایی محتوایی<sup>۳</sup> پرسشنامه اقتدار والدین بر اساس داوری ده نفر از متخصصان روانشناسی و علوم تربیتی بررسی و ضرایب توافق کندال برای زیرمقیاس ها از ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ محاسبه شد.

**پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک- راست (GRIMS):** پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک- راست (راست، بنان، کرو و گلوبوک، ۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش ها در مقیاس چهار درجه ای لیکرت (کاملاً موافق = ۰، کاملاً مخالف = ۳)، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره صفر تا سه در زمینه میزان حساسیت<sup>۴</sup> و توجه زوجین نسبت به نیاز های یکدیگر، تعهد<sup>۵</sup>، وفاداری<sup>۱</sup>، مشارکت<sup>۲</sup>، همدردی<sup>۳</sup>، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت<sup>۴</sup> و همدلی زوجین

- . test-retest reliability
- . internal consistency
- . content validity
- . sensitivity
- . commitment

می‌سنجد. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ  $0/92$  برای نمونه ای از زنها و  $0/94$  برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰). ضرایب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی ها  $r = 0/77$ ، آزمودنی های زن  $r = 0/73$  و آزمودنی های مرد  $r = 0/75$  نشانه پایایی باز آزمایی خوب پرسشنامه است.

## یافته ها

جدول ۱ شاخص های پراکندگی و گرایش مرکزی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. میانگین و انحراف استاندارد نمرات به تفکیک جنس و برای کل نمونه گزارش شده است. شاخص های کجی و کشیدگی متغیرها نشان داد که توزیع هیچ یک از متغیرها خارج از حالت نرمال نیست.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش ( $n = 221$ )

متغیر	کل		مرد		زن	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
وضعیت زناشویی	۲۵/۵۷	۱۲/۶۰	۲۵/۷۸	۱۰/۹۲	۲۵/۰۱	۱۳/۱۵
سبک مقتدرانه پدر	۳۴/۰۸	۷/۸۳	۳۳/۰۹	۷/۴۶	۳۴/۷۶	۷/۹۷
سبک مقتدرانه مادر	۳۵/۴۳	۶/۷۸	۳۵/۱۶	۶/۶۶	۳۴/۵۴	۶/۸۵
سبک آمرانه پدر	۲۸/۱۸	۵/۶۱	۲۸/۴۹	۵/۴۸	۲۷/۹۳	۵/۸۲
سبک آمرانه مادر	۲۶/۶۶	۵/۶۸	۲۶/۳۲	۷/۷۲	۲۶/۹۱	۵/۷۴
سبک سهل گیرانه پدر	۲۶/۴۲	۵/۱۸	۲۶/۲۱	۵/۰۳	۲۶/۵۰	۵/۳۳
سبک سهل گیرانه مادر	۲۶/۶۵	۵/۳۴	۲۶/۶۷	۵/۶۴	۲۶/۵۹	۵/۱۴
ارضای نیازهای روانشناختی	۱۵/۲۱	۲/۵۳	۱۵/۰۱	۲/۲۹	۱۵/۳۵	۲/۷۱

ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ گزارش شده است. مطابق یافته ها رضایت زناشویی با سبک مقتدرانه پدر ( $R = 0/57, P < 0/01$ )، سبک مقتدرانه مادر ( $R = 0/48, P < 0/01$ )، سبک سهل گیرانه پدر ( $P < 0/01$ )،  $R = 0/25$  و سبک سهل گیرانه مادر ( $R = 0/24, P < 0/01$ ) رابطه مثبت معنادار داشت. رابطه رضایت زناشویی با سبک آمرانه پدر ( $R = -0/21, P < 0/01$ ) و سبک آمرانه مادر ( $R = -0/24, P < 0/01$ ) منفی معنادار بود.

جدول ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش (n = ۲۲۱)

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- رضایت زناشویی	--						
۲- سبک مقتدرانه پدر	۰/۵۷**	--					
۳- سبک مقتدرانه مادر	۰/۴۸**	۰/۶۷**	--				
۴- سبک آمرانه پدر	۰/۲۱**	۰/۲۸**	۰/۰۸--	--			
۵- سبک آمرانه مادر	۰/۲۴**	۰/۱۹**	۰/۴۳**	۰/۳۲**	--		
۶- سبک سهل گیرانه پدر	۰/۲۵**	۰/۴۳**	۰/۲۳**	۰/۰۵--	۰/۱۱	--	
۷- سبک سهل گیرانه مادر	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۳۱**	۰/۰۳	۰/۳۴**	۰/۳۹**	--

\*  $P < 0.05$  ، \*\*  $P < 0.01$ 

### بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری مقتدرانه پدر و سبک فرزند پروری مقتدرانه مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت وجود دارد. این یافته با مطالعات صورت گرفته در این زمینه (ایناو، ۲۰۱۴؛ حاتمی ورزنده، فتحی و اسماعیلی، ۲۰۱۴) که نشان داده اند سبک فرزند پروری مقتدرانه والدین با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت دارد، مطابقت می کند و بر حسب احتمالات زیر تبیین می شود.

یکی از دلایل محتمل برای تبیین رابطه سبک فرزند پروری مقتدرانه والدین با رضایت زناشویی فرزندان، تاثیر تنظیم و مدیریت هیجان ها در ایجاد روابط صمیمی موفق است. تنظیم هیجان شامل فرایندهای داخلی و خارجی درگیر در شروع، حفظ و تعدیل وقوع، شدت و بیان احساسات است. منظور از فرایندهای داخلی در مدیریت احساسات، شناخت عواطف، تغییر توجه و مدیریت پاسخ های فیزیولوژیک و منظور از فرایندهای خارجی، والدین یا افراد دیگری است که در تعدیل هیجان ها کمک می کنند (تامپسون، ۱۹۹۴؛ به نقل از موریس، سیلک، استینبرگ، مایرس و روبینسون، ۲۰۰۷). همچنین تنظیم هیجان متضمن توانایی پاسخ به محرک های استرس زا و تجارب عاطفی به یک شیوه مناسب، سازش یافته و انعطاف پذیر از نظر اجتماعی است (ایزنبرگ و مورایس، ۲۰۰۲؛ به نقل از موریس و همکاران، ۲۰۰۷). بعضی شواهد پژوهشی مطرح می کنند که مولفه های خاصی در شیوه های فرزند پروری (به عنوان مثال، پاسخگو بودن) به طور خاص با تنظیم هیجان در فرزندان مرتبط است (موریس و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش کوهن و ترونایک (۱۹۸۳؛ به نقل از موریس و همکاران، ۲۰۰۷) نشان داد که بین پاسخگویی مادرانه به نشانه های هیجانی فرزندان و استفاده فرزندان از رفتارهای خود تنظیمی رابطه وجود دارد. پژوهش های هاردی، پاور و جادایک (۱۹۹۳) و کلاپور، فرنو و مایر (۱۹۹۶) نیز نشان داد که پذیرش مادرانه و حمایت آنها با راهبردهای تنظیم هیجان در فرزندان مرتبط است (به نقل از موریس و همکاران، ۲۰۰۷). راهبردهای تنظیم هیجان از بالاترین مولفه های سلسله مراتب هوش هیجانی است (فرناندز- بروکال و اکسترما، ۲۰۰۶) که بر رضایت زناشویی تاثیر دارد (زیدر و کلد، ۲۰۱۳). بنابراین، احتمالاً شیوه فرزند پروری مقتدرانه والدین با پاسخگو بودن، پذیرش و حمایت فرزندان، راهبردهای تنظیم هیجان مرتبط با هوش هیجانی را در فرزندان تقویت می کند. این راهبردها به درک احساسات دیگران، تنظیم و مدیریت احساسات در ازدواج کمک می کنند و رضایت زناشویی فرزندان را در پی خواهند داشت.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که بین سبک فرزند پروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. این یافته با مطالعات صورت گرفته در این زمینه (سیفج- کرنک و همکاران، ۲۰۱۰) که نشان داده

اند سبک فرزند پروری آمرانه والدین با رضایت زناشویی به طور منفی رابطه دارند، مطابقت می کند. این نتیجه از جهات مختلف قابل تبیین است: رفتار والدین با سبک فرزند پروری آمرانه که از طریق توجه مشروط و کاهش انگیزه خود پیرو، فرزندان را کنترل می کنند، پیامدهای منفی را در فرزندان ایجاد می کنند (اسور و همکاران، ۲۰۰۴؛ به نقل از رایان و دسی، ۲۰۰۶). این فرزندان به دنبال موفقیت، حرمت خود پایین تر و رضایت زودگذرتر را نشان می دهند و به دنبال شکست، شرم بیشتر و احساسات طرد و تنفر بیشتر نسبت به والدین نشان می دهند (اسور و همکاران، ۲۰۰۴؛ به نقل از رایان و دسی، ۲۰۰۶). کنترل روانی، حرمت خود را تضعیف می کند (سوننس و همکاران، ۲۰۰۵؛ به نقل از سوننس و ونستینکیست، ۲۰۰۵). چنین افرادی با حرمت خود پایین در موقعیت های تعارض آمیز، رفتارهای منفی مثل کاهش دادن نزدیکی و صمیمیت و کوچک شمردن همسر را بروز می دهند (مورای و همکاران، ۲۰۰۲) و به دنبال آن، از ترک شدن توسط همسر نگران می شوند. برعکس، افراد با حرمت خود قوی رفتار بین شخصی انطباقی و دل بستگی ایمن دارند که به اعتقاد میکولینسر و شیور (۲۰۰۷) با رضایت زناشویی بیشتر مرتبط است (به نقل از ارول و اورث، ۲۰۱۳). افراد با حرمت خود ضعیف، هنگام تهدید حرمت خود به دنبال ارتباط با همسر نیستند زیرا نگرانند که از طرف همسر طرد شوند (مورای و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از زایگلر-هیل، فولتن و مک لمور، ۲۰۱۱)، در نتیجه فاصله ای بین آنها ایجاد می شود که رضایت زناشویی را به خطر می اندازد. بدین ترتیب احتمال می رود که والدین با سبک فرزند پروری آمرانه، به علت رفتارهای کنترل کننده، حرمت خود پایین را در فرزندان ایجاد کنند. افراد با حرمت خود پایین در موقعیت های تعارض با همسر، صمیمیت و نزدیکی را کاهش می دهند و همسر خود را کوچک می شمارند و این رفتارهای نامناسب می تواند رابطه منفی سبک فرزند پروری آمرانه والدین با رضایت زناشویی فرزندان را توجیه کند.

یافته های پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت وجود دارد. پژوهش های قبلی نشان داده اند که سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدین پیامدهای رفتاری منفی را در فرزندان به دنبال دارد (میلوسکی، شختر، نتر و کنی، ۲۰۰۷؛ نیل و فریک-هاربوری، ۲۰۰۱). در این پژوهش، سبک فرزند پروری سهل گیرانه پدر و مادر به طور جداگانه بررسی شده است و تاثیر تعامل سبک های متفاوت والدین با هم بر رضایت زناشویی فرزندان بررسی نشده است. همسو با اعتقاد بالکن و همکاران (۲۰۱۰) که سبک مقتدرانه یکی از والدین، اثرات منفی سبک فرزند پروری والد نامهربان دیگر را خنثی می کند، ممکن است ترکیب سبک فرزند پروری سهل گیرانه یکی از والدین با سبک فرزند پروری مقتدرانه والد دیگر، تاثیر سوء سبک فرزند پروری والد سهل گیر را خنثی کرده باشد. همچنین بعضی از آزمودنی ها عنوان کردند که در کودکی پدر و یا مادر خود را از دست داده اند. بعد از فوت والد سهل گیر، سبک فرزند پروری مقتدرانه و متفاوت بقیه سرپرستان فرد، ممکن است پیامدهای مثبتی برای فرد داشته و تاثیر سوء سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدش را خنثی کرده باشد. بدین ترتیب احتمال می رود تاثیر تعامل سبک فرزند پروری سهل گیرانه یکی از والدین با سبک مقتدرانه والد دیگر یا بقیه سرپرستان کودک بتواند رابطه مثبت بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه والدین و رضایت زناشویی فرزندان را توجیه کند.

در پژوهش حاضر به علت ناقص پر شدن برخی از پرسشنامه ها و برگشت داده نشدن برخی دیگر، حجم نمونه دچار افت بود که ممکن است بر نتایج به دست آمده تاثیر گذاشته باشد به همین دلیل و با توجه به روش نمونه گیری در دسترس، تعمیم نتایج پژوهش باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین به دلیل این که پژوهش حاضر از نوع همبستگی است نمی توان از نتایج آن استنباط علی به عمل آورد. نتایج پژوهش حاضر می تواند در جهت پیشگیری از مشکلات زناشویی مفید باشد. برای مثال می توان برنامه هایی را برای بالا بردن سطح آگاهی متخصصین بالینی، تربیتی و اجتماعی پایه ریزی کرد تا با آموزش تاثیر سبک های فرزند پروری والدین در آینده زناشویی فرزندان در جهت درمان و پیشگیری از دیگر مشکلات روانشناختی و پیامدهای بلند مدت آن بهره برده شود. تهیه برنامه های آموزشی مهارت های فرزند پروری، برای پیشگیری از مشکلات بعدی روانشناختی می تواند راهگشا باشد.

## منابع

- بشارت، محمد علی (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی کلومبک - راست. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران، تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۹۰). بررسی مقدماتی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه اقتدار والدین. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران، تهران.
- Alea, N., & Vick, S. C. (2010). The first sight of love: Relationship-defining memories and marital satisfaction across adulthood. *Memory, 18*, 730-742.
- Amato, P. R., & Booth, A. (2001). The Legacy of parents marital discord: consequences for children s marital quality. *Journal of Personality and Social Psychology, 81*, 627-638.
- Bartell, T. M. C. (2005). *Factor associated with attachment in international adaptation*. Unpublished Doctorate Thesis. Kansas State University: USA.
- Baumrind, D. (1966). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development, 37*, 887-907.
- Baumrind, D. (1989). Rearing competent children. In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 349-378). San Francisco: Jossey-Bass.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence, 11*, 56-95 .
- Baumrind, D., Larzelere, R. E., & Owens, E. B. (2010). Effects of preschool parents' power assertive patterns and practices on adolescent development. *Parenting: Science and Practice, 10*, 157-201.
- Blais, M., Sabourin, S., Boucher, C., & Vaallerand, R. J. (1990). Toward a Motivational Model of Couple Happiness. *Journal of Personality and Social, 59*, 1021-103.
- Bolkan, C., Sano, Y., Costa, J. D., Acock, A. C., & Day, R. D. (2010). Early Adolescents' Perceptions of Mothers' and Fathers' Parenting Styles and Problem Behavior. *Marriage & Family Review, 46*, 563-579.
- Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality and Social Assessment, 57*, 110-119.
- Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguin, D. G., & Moulton, C. E. (2002). Authoritative and authoritarian mothers' parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting: Science and Practice, 2*, 1-26.
- Curran, M., Ogolsky, B., Hazen, N., & Bosch, L. (2011). Understanding Marital Conflict 7 Years Later From Prenatal Representations of Marriage. *Family Process, 50*, 221-234.
- Darling, N., Cohan, C., Burns, A., & Thompson, L. (2008). Within-family conflict behaviors as predictors of conflict in adolescent romantic relations. *Journal of Adolescence, 31*, 671-690.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style in context: an integrative model. *Journal of Psychological Bulletin, 113*, 487-496.
- Davidov, M., & Grusec, J. E. (2006). Untangling the links of parental responsiveness to distress and warmth to child outcomes. *Journal of Child Development, 77*, 44-58.
- Einav, M. (2014). Perceptions About Parents' Relationship and Parenting Quality, Attachment Styles, and Young Adults Intimate Expectations: A Cluster Analytic Approach. *The Journal of Psychology, 148*, 413-434.
- Ellis, A. (1980). Rational- emotive therapy and cognitive behavioral therapy: similarities and differences. *Cognitive Therapy and Research, 4*, 325-340.
- Erol, R. Y., & Orth, U. (2013). Actor and partner effects of self- esteem on relationship satisfaction and the mediating role of secure attachment between the partners. *Journal of Research in Personality, 47*, 26-35.
- Fernandez-berrocal, P., & Extremera, N. (2006). Emotional intelligence: a theoretical and empirical review of its first 15 years of history. *Psicothema, 18*, 7-12.



- Hatami Varzaneh, A., Fathi, E., Esmaeily, M. (2014). The mediating role of secure attachment style in the relationship between authoritative parenting style and personal commitment in marital relationship among married women. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*, 1, 238-248.
- Hook, J. N., Worthington jr, E. L., Hook, J. P., Miller, B. T., & Davis, D. E. (2011). Marriage Matters: A Description and Initial Examination of a Church-Based Marital Education Program. *Pastoral Psychology*, 60, 869-875.
- Johanson, A. K. (2006). *Physical and psychological aggression and the use of parenting style: a comparison of African-American and Caucasian families*. Unpublished Masters Thesis. University of Maryland: USA.
- Johnson, M. D., Nguyen, L., Anderson, J. R., Liu, W., & Vennum, A. (2015). Pathways to romantic relationship success among Chinese young adult couples Contributions of family dysfunction, mental health problems, and negative couple interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 32, 5-23.
- Kima, J., Talbot, N. L., & Cicchetti, D. (2009). Childhood abuse and current interpersonal conflict: The role of shame. *Journal of Child Abuse & Neglect*, 33, 362-371.
- Knee, C. R., Lonsbary, C., Canevello, A. & Patrick, H. (2005). Self-determination and conflict in romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89, 997-1009.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44, 124-127.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P. Mussen (Ed.), *Handbook of child psychology* (Vol. 4, pp. 1-101). New York: Wiley.
- Mandara, J. (2003). The typological approach in child and family psychology: a review of theory, method and research. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6, 129-146.
- Milevsky, A., Schlechter, M., Netter, S., & Keehn, D. (2007). Maternal and paternal parenting styles in adolescents: Associations with self-esteem, depression and life-satisfaction. *Journal of Child and Family Studies*, 16, 39-47.
- Morris, A. S., Silk, j. S., Steinberg, L., Myers, S. S. & Robinson, L. R. (2007). The Role of the Family Context in the Development of Emotion Regulation. *Blackwell Publishing Ltd*.
- Neal, J., & Frick-Horbury, D. (2001). The effects of parenting styles and childhood attachment patterns on intimate relationships. *Journal of Instructional Psychology*. 28, 178-183.
- Overbeek, G., Stattin, H., Vermulst, A., Thao, H., & Engels, R. C. M. E. (2007). Parent° Child Relationships, Partner Relationships, and Emotional Adjustment: A Birth-to-Maturity Prospective Study. *Developmental Psychology*, 43, 429-437.
- Patrick, H., Knee, C. R., Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: a self- determination theory perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 434-457.
- Rinaldi, C. M., & Howe, N. (2012). Mothers and fathers parenting styles and associations with toddlers externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266-273.
- Rust, J., Bennun, I., Crow, M., & Golombok, S. (1986). The Golombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire. *Sexual and Marital Therapy*, 1, 55-60.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2006). Self-Regulation and the Problem of Human Autonomy: Does Psychology Need Choice, Self-Determination, and Will? *Journal of Personality*, 74, 1557-1586.
- Scharf, M., & Mayseless, O. (2008). Partner: the distinct late adolescent girls` relationships with parents and romantic role of mothers and fathers. *Journal of Adolescence*, 31, 837-855.
- Seiffge-Krenke, I., Overbeek, G., & Vermulst, A. (2010). Parent° child relationship trajectories during adolescence: Longitudinal associations with romantic outcomes in emerging adulthood. *Journal of Adolescence*, 33, 159-171.

- Shulman, S., Zlotnik, A., Shachar-Shapira, L., Connolly, J., & Bohr, Y. (2012). Adolescent daughters romantic competence: The role of divorce, quality of parenting, and maternal romantic history. *Journal of youth and adolescence, 41*, 593-606.
- Soenens, B., & Vansteenkiste, M. (2005). Antecedents and outcomes of self-determination in 3 life domains: the role of parent s and teacher s autonomy support. *Journal of Youth and Adolescence, 34*, 589-604.
- Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., & Winking, J. (2012). Infidelity, jealousy, and wife abuse among Tsimane forager-farmers: testing evolutionary hypotheses of marital conflict. *Evolution and Human Behavior, 33*, 438-448.
- Stroud, C. B., Durbina, C. E., Saigal, S. D., & Knobloch-Fedders, L. M. (2010). Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An Actor° Partner Interdependence Model analysis. *Journal of Research in Personality, 44*, 466-477.
- Taniguchi, S. T., Freeman, P. A., Taylor's., & Malcarne, B. A. (2006). study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *Journal of Experimental Education, 28*, 253-256.
- Zeidner, M., & Kloda, I. (2013). Emotional intelligence (EI), Conflict resolution patterns, and relationship satisfaction: Actor and partner effects revisited. *Personality and Individual Differences, 54*, 278-283.
- Zeigler-Hill, V., Fulton, J. J., & McLemore, C. (2011). The role of unstable self-esteem in the appraisal of romantic relationships. *Personality and Individual Differences, 51*, 51-56.

## Predicting children's marital satisfaction in terms of parenting styles

Mohammad Ali Besharat, Ph.D.\*

Syedeh Naimeh hooshmand, M.A.\*

Seyed Mohammad Reza Rezazadeh, Ph.D.\*

Masoud Ali Lavassani, Ph.D.\*

### Abstract

The aim of the present study was to examine the relationship between parenting styles and children's marital satisfaction. Two hundred and seventeen (123 women, 94 men) married participants completed Parental Authority Questionnaire (PAQ) and the Golombok Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS). The results indicated that the authoritative and permissive parenting styles had a positive significant association with marital satisfaction of the children, whereas the authoritarian style used by parents had a negative significant association with their offspring's marital satisfaction. According to the findings of the present study, it can be concluded that the levels of children s marital satisfaction are possibly influenced by the parenting styles of their parents.

**Keywords:** parenting, parental bond, marital satisfaction

\*University of Tehran